

# چالش اثبات جرم محاربه در واکاوی فقهی - حقوقی رکن مادی آن

فریدون جعفری<sup>۱</sup> مسعود قهرمانی<sup>۲</sup>

1 استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

2 دانشجوی دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران و مدرس دانشگاه

**چکیده.** برای تحقق یک جرم وجود ارکان و شرایطی لازم می‌باشد. ارائه تعریف جامع و مانع از یک جرم و تدقیق در رکن قانونی، رکن روانی و تحقق رکن مادی به همراه قابلیت انتساب به مرتکب که همان شرایط تحقق یا عدم تحقق مسئولیت کیفری است؛ از جمله موارد تحقق پدیده مجرمانه محسوب می‌گردند. در این بین بررسی رکن مادی جرم حائز اهمیت ویژه است. فقها برای تحقق صدق عنوان محارب بر مرتکب آن، مستنبط از قرآن کریم و احادیث وارده شرایط و قیود خاصی را ذکر نموده‌اند که این مساله در حقوق کیفری تحت عنوان رکن مادی جرم مورد بحث قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 تغییراتی را در شرایط و ارکان محاربه بعمل آورده در این پژوهش بدنبال تحلیل تحولات آن در مقارنه با مقررات فقهی می‌باشیم تا دریابیم چه کسی توانایی اخلال در نظم عمومی جامعه بوسیله کشیدن سلاح به قصد ارباب مردم و در نتیجه به مخاطره افتادن امنیت را دارد.

**واژگان کلیدی:** محارب، بزه دیده، رکن مادی، جرایم علیه امنیت عمومی

منتشر شده.

<sup>1</sup> نویسنده مسئول: استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

<sup>2</sup> masoud.qahremani@gmail.com

## **The Challenge of Proving the Crime of Moharebeh in the Jurisprudential and Legal Analysis of Its Material Element**

Fereydoun Jafari, Masoud Gharamani

1Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran

2PhD Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran, and University Lecturer

**Abstract :**The realization of a crime requires the presence of necessary elements and conditions. Providing a comprehensive and precise definition of a crime, and scrutinizing the legal element, mental element, and material element of the crime, along with the assignability of the act to the perpetrator—these are all factors that contribute to the realization of a criminal phenomenon. Among these, examining the material element of the crime is of particular importance. Scholars of jurisprudence have specified certain conditions and restrictions for the realization of the title "mohareb" (one who wages war against God), derived from the Qur'an and Hadith. This issue is addressed under the concept of the material element of the crime in criminal law. Given that the Islamic Penal Code of 2013 has introduced changes in the conditions and elements of Moharebeh, this study seeks to analyze these developments in comparison with jurisprudential regulations to determine who has the capacity to disrupt public order through the act of drawing a weapon with the intent to intimidate people, thereby jeopardizing security.

**Keywords :**Moharebeh, Victim, Material Element, Crimes Against Public Security

مستشاده

با پیدایش اولین قوانین وضع شده بشری، قوانین آیینی نقش بسزایی در مسیر تکامل حقوق ایفا نموده اند (اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، تهران، نشر میزان، 1389، ص 63). در این بین دین مبین اسلام بعنوان یک مکتب نوین و پویا در بین مکاتب حقوقی همواره صاحب ایده و نظر بوده است. قوانین کیفری که متضمن مصالح عالیة حیات انسان هستند، مستثنی نبوده و مورد عنایت مجامع قانونگذاری اعم از بشری و الهی قرار گرفته اند. جرایمی که امنیت انسان و نظم عمومی جامعه را به مخاطره می اندازد از جایگاه ویژه و حائز اهمیتی به علت حساسیت و نقش امنیت در ابعاد مختلف زندگی بشر دارا هستند. با حاکمیت احکام فقه امامیه بر نظام حقوقی ایران بعد از انقلاب اسلامی، قانونگذار با تأسی از منابع عظیم فقهی اقدام به وضع قوانین کیفری مبتنی بر فقه نمود. بحث از اینکه آیا قوانین بعد از انقلاب بر مبانی فقهی بنیان نهاده شده اند یا صرفاً ترجمان ناقصی از منابع فقهی هستند صحبت‌های فراوان را در مجامع علمی بدنبال داشته است. هر چند بعد از انقلاب اسلامی قوانین، آزمایشی و متزلزل بوده اند، اما جرایمی که امنیت کشور را تهدید کرده و نظم عمومی را با چالش‌های فراوانی روبرو نموده اند، از ثبات بیشتری نسبت به سایر قوانین برخوردار بوده است. همواره در حقوق کیفری اصل بر اباحه اعمال است. مگر اینکه قانونگذار صراحتاً عدم آن را ذکر کرده باشد. از آنجا که احکام اسلامی از جمله قوانین کیفری در پی جذب مصالح و دفع مفاسد است؛ لذا اغلب می بایست با هرگونه فساد در امنیت و آسایش مردم و شورش و اختلال در نظم عمومی مبارزه و برخورد قاطع صورت گیرد. محاربه بعنوان یکی از جرایمی که امنیت جامعه را به مخاطره می اندازد مورد توجه قانونگذار اسلامی قرار گرفته است. از آنجایی که این جرم جنبه شرعی داشته و واضح اصلی آن شارع مقدس است؛ همواره تحلیل و واکاوی آن مورد نیاز مجامع علمی و محاکم قضایی خواهد بود. در بین مباحثی که راجع به این جرم قابلیت بحث و ضرورت اجتناب ناپذیری دارد، تعیین مرتکب جرم است. بدین منظور اهمیت ارائه تعریفی دقیق و بررسی ارکان متشکله جرم محاربه ضرورت می یابد. در این بین همواره جای تحلیل و تطبیق مبانی فقهی ارکان ثلاثه متشکله جرم، و به طور خاص جرایمی که جنبه شرعی دارند در ادبیات حقوق کیفری تقریباً خالی بوده است. شیوه فقها از ارائه بحث در مورد جرمی با آنچه که حقوقدانان مطرح می کنند بعضاً متفاوت است. شاید بتوان با بررسی مبانی فقهی یک جرم بویژه ارکان متشکله آن روشی نو و جدید را براساس تلفیق دو روش فوق در ادبیات حقوق کیفری داخل و خلاء موجود را برطرف نمود. بدون تردید این امر، رفع معضلات و چالش‌های عملی محاکم قضایی و همچنین غنای علمی بحث را به دنبال خواهد داشت. در همین راستا بعلا فراوانی ارتکاب جرایم مشابه محاربه و امکان بروز اشتباه در تطبیق عنوان مجرمانه در محاکم قضایی، ضرورتی دو چندان به جهت بررسی فقهی و حقوقی این جرم ایجاد نموده است. از این حیث در بین ارکان متشکله این جرم، رکن مادی از اهمیت بیشتری به علت نمود عینی که دارد، برخوردار

است. بدون تردید تحقق کامل رکن مادی جهت اثبات محاربه نیاز می باشد. از همین رو فقها در آثار خود بطور ویژه ای به این مسأله پرداخته اند.

بنابراین در این پژوهش باید پاسخ داد که محارب چه کسی است؟ به عبارت دیگر چه عناصری در تحقق عنوان محارب بر مرتکب موثر است؟

### ارکان متشکله جرم محاربه

هر جرمی برای اینکه به منصفه ظهور و فعلیت برسد، مراحلی را باید سیر نماید. از زمان شکل گیری فکر مجرمانه، تدبیر و طراحی نقشه تا جزم شدن عزم و اراده مرتکب و در نهایت عملیاتی شدن این فرایند، همگی قابلیت بحث و تحقیق را دارا هستند. ناگفته نماند جرایمی نیز هستند که بدون این مراحل و صرفاً دفعتاً و یکباره رخ می دهند. با این وصف از جمله مباحث بسیار مهم در حقوق کیفری اختصاصی و بررسی یک جرم خاص، پرداختن به ارکان متشکله آن جرم است. برای این منظور نیاز داریم تا بنابر ماده تصویبی قانونگذار و تعریف جرم، ارکان قانونی، مادی و معنوی را برای یک جرم به طور مجزا بررسی و تحلیل کنیم. بیان دو نکته حائز اهمیت است، یکی این که تمامی ارکان متشکله را مقنن بایستی تصریح نماید. به عبارت دیگر بدون تصریح قانونگذار نمی توان از ارکان متشکله یک جرم یاد کرد. دوم اینکه، بحث تفصیلی از ماهیت ارکان یک جرم یعنی بیان و تحلیل و تجزیه رکن قانونی، رکن مادی و معنوی دارای جایگاه بحث در حقوق کیفری عمومی می باشند که در این مقال با توجه به نیاز بحث اشاره ای مختصر به آن شده است. بنابراین با عنایت به اینکه تحلیل و تبیین ارکان متشکله هر جرمی وابسته به تعریف جامع و مانع آن جرم است ابتدا به تعریف جرم محاربه و سپس بصورت مؤجز به ارکان متشکله این جرم در بخش حاضر پرداخته خواهد شد.

### تعریف محاربه

محاربه مصدر باب مفاعله و محارب اسم فاعل می باشد (گلدوست جویباری، رجبعلی، جرائم علیه امنیت کشور، تهران، جنگل جاودانه، 1388، ص 22). مشخصاً در قاموس القرآن حرب به معنای جنگ (قریشی، علی-اکبر، لغت نامه قاموس قرآن جلد دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1412، ص 114). و در لسان العرب نقیض سلم بیان شده است. (ابن منظور، محمدبن مکرّم، لسان العرب، جلد اول، بیروت، دارالفکر، 1414، ص 302) "دارالحرب" به بلاد کفار و مشرکین گویند که بین آنان و مسلمانان، صلح برقرار نیست. (موسوی بجنوردی واحمد زاده، محمد و ابوالفضل، «تعریف محاربه و ترور از دیدگاه امام خمینی (ره)» پژوهشنامه متین شماره سی و نهم، 1387، ص 39). برخی از حقوقدانان قائل اند هر چند محاربه از ریشه حرب به معنای جنگ استعمال می شود ولی معنای اصلی آن گرفتن اموال دیگران از روی قهر و سلطه می باشد. یعنی هر گاه با زور و قدرت بر کسی مسلط شوند و اموال او را

تاراج نمایند گفته می شود با او حرب شده است (مؤمنی، عابدین، گزیده حقوق جزای خصوصی اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، 1387، ص 77). معنای لغوی محاربه موثر بر تعریف اصطلاحی آن بوده که فقها در تعریف این جرم از معنای آن تأسی گرفته اند. از این رو خواهیم دید که در تعاریف اصطلاحی معنای لغوی به وضوح به چشم می خورد. محاربه از جمله جرایم عمومی می باشد که علیه امنیت جامعه و آحاد مردم ارتکاب یافته که دارای مجازات حدی است. قانونگذار در ماده 279 قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 محاربه را چنین تعریف کرده است: "محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آن ها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. ...." مبنای این تعریف نیز قرآن کریم می باشد. خداوند در آیه 33 سوره مبارکه مائده می فرماید: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ حِزْبٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» \*33\* (همانا کیفر آنان که با خدا و رسول به جنگ برخیزند و در زمین به فساد کوشند جز این نباشد که آنها را به قتل رسانده، یا به دار کشند و یا دست و پایشان به خلاف یکدیگر ببرند و یا به نفی و تبعید از سرزمین (صالحان) دور کنند. این ذلت و خواری عذاب دنیوی آنهاست و اما در آخرت به عذابی بزرگ معذب خواهند بود.)

شاید بتوان چنین ادعا کرد که فقها در موقع ارائه تعریف از این جرم، نوعی اجماع دارند. بدین معنا که با الهام از آیه 33 سوره مبارکه مائده، مشترکاً کشیدن سلاح برای ترساندن مردم را عمل محارب دانسته اند. با کمی دقت در تعاریف ارائه شده بدست می آید که فقها اختلافی در تعریف این جرم اصلاً یا بعضاً ندارند و اندک اختلاف موجود در قیود اضافه شده در برخی از این تعاریف می باشد. در ادامه به بررسی این تعاریف می پردازیم.

ابن ادریس (ره) در سرائر آورده است: «عندنا كل من شهر السلاح لإخافة الناس... هذا بنفس شهره السلاح وإخافة الناس.» (ابن ادریس حلی، محمد بن منصور، السرائر الحاوی للتحریر الفتاوی، جلد سوم، قم، انتشارات اسلامی، 1440، ص 505). شبیه به این تعریف با کمی تفاوت توسط مرحوم فاضل هندی بیان شده است. «المحارب عندنا كل من أظهر السلاح أو غيره من حجر و نحو کما سیأتی و جرده لإخافة الناس المسلمین.» (فاضل هندی، محمد بن حسن، کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام، جلد دهم، قم، انتشارات اسلامی، 1416، ص 634). شهید ثانی (ره) نیز در مسالک محارب را کسی می داند که سلاح خود را آشکار کرده و از این راه مردم را می ترساند. ایشان می فرماید: «المحارب كل من جرد السلاح لإخافة الناس» (شهید ثانی، زین الدین علی، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، جلد پانزدهم، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413، ص 5). برخی از فقها نیز تعریف محاربه را در فقه و عرف یکی دانسته و بیان می دارند: «و قد عنوانه الفقهاء بالمحارب و عرفوه بمن جرد السلاح لإخافة الناس» (مغنیه، محمد جواد، فقه الامام الصادق (ع)، جلد ششم، قم، مؤسسه انصاریان، 1412، ص 291). مجلسی اول (ره) در تعریف محاربه می فرماید: «محارب کسی را گویند که تجرید سلاح کند و برای ترسانیدن مردم در شب یا در روز، در بحر یا در شهر

یا در بیرون و در معموری یا در خرابی، مذکر باشد یا مونث، مخیر است امام در حد محارب. «مجلسی اول، محمد تقی، یک دوره فقه کامل فارسی، تهران، مؤسسه انتشارات فراهانی، 1400، ص 2040). مرحوم صاحب جواهر در ابتدای بحث محارب آورده است: «المحارب کل من جرد السلاح أو حمله لإخافه الناس و لو واحد لواحد علی وجه یتحقق به صدق إرادة الفساد فی الارض» (نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام فی شرایع الاسلام، جلد چهل و یکم، بیروت، انتشارات دار احیاء التراث العربی، بی تا، ص 564). امام راحل نیز در تعریفی مشابه در تحریر الوسیله آورده اند: «محارب کسی است که شمشیرش را برهنه می کند یا آنرا تجهیز می نماید تا مردم را بترساند و می خواهد در زمین افساد فی الارض نماید.» (خمینی (ره)، روح الله، تحریر الوسیله، ترجمه و تحقیق مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، جلد دوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، 1386، ص 524). مرحوم خویی (ره) با جمع حدیث محمد بن مسلم و علی بن حسان در تعریف محارب می فرماید: «المحارب من شهر السلاح الاخافه الناس»<sup>1</sup> دامنه استعمال این کلمات مشابه به میزان فراوانی کتب فقهی است. عبارت: «کل من جرد السلاح یا أشهر السلاح أو جهزه لأخافه الناس» (خویی، ابوالقاسم، تکمله المنهاج، قم، نشر مدینه-العلم، 1410، ص 51). در تعریف محاربه تکرار شده است. همگی فقها معتقدند که محارب کسی است که به منظور ترساندن مردم دست به اسلحه ببرد. در تکمیل این تعریف صاحب جواهر (ره) و تقریباً کثیری از فقهای بعد از ایشان قید به قصد افساد فی الارض را نیز اضافه نموده اند. اما با کمی تأمل در می یابیم که آنها عمل محارب را تعریف کرده اند و برای جرم محاربه تعریف جامع و کاملی ارائه نشده است. عنوان مجرمانه محاربه اختلال در امنیت عمومی است. (جعفری لنگردوی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش، 1386، ص 621). این عمل توسط سلاح کشیدن و در نتیجه ایجاد رعب و وحشت در بین آحاد مردم حاصل می شود. فاضل هندی (ره) نیز با درک این مطلب در تکمیل تعریف خود از محاربه، بیان می دارد: «محاربه تحقق می یابد هرگاه کسانی قصد گرفتن شهرهایی، یا باروهایی را داشته باشند یا قصد اسارت و بردگی در آوردن مردم را داشته باشند، یا قصد اسیر کردن زن و فرزندان آنان را داشته باشند، یا قصد کشتن مردم و گرفتن مالی را قهراً و مجاهر تا» (فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق عمومی اسلام، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1385، ص 469). (همچنین در دایره المعارف فقهی کویت (الموسوعه الفقهیه الکویتیه) آمده است: «الحرابه فی الاصطلاح هی البروز لاخذ مال أو القتل أو الارعاب علی سبیل المجاهره مکابره اعتماداً علی القوه مع العبد عن الغوث.» یعنی محارب در اصطلاح عبارت است از مبارزه آشکار و زور گویانه برای گرفتن مال یا قتل یا ارعاب مردم با تکیه بر اعمال زور و در جایی که فریاد رسی نباشد. (هاشمی شاهرودی، محمود، با بسته های فقه جزا، تهران، نشر میزان، 1378، ص 303). همگی این اعمال مصادیقی از ایجاد اختلال در امنیت عمومی جامعه می باشد. در حقیقت گرفتن مال، ارتکاب قتل و غارت، آزار و اذیت مردم، همراه با سلاح کشیدن و گاه استفاده از آن همچنان که در لسان روایات نیز آمده است، تعریفی از عنوان محاربه است. بنابراین با عنایت به کلیه مطالب ارائه

شده در تعریف محاربه، در می یابیم که فقها تعریف کاملی از عنوان محاربه ارائه نداده و صرفاً تعریف به عمل محارب و یا به بیان مصادیق محدود شده اند. در بین تعاریف مختلف به نظر می رسد تعریف مرحوم علامه طباطبایی جامع و مانع است. ایشان می فرمایند: «مراد از محاربه و افساد به طوری که از ظاهر آیه بر می آید اخلال به امنیت عمومی است و قهراً شامل آن چاقو کشی نمی شود که به روی فرد معین کشیده شود و او را به تنهایی تهدید کند، چون امنیت عمومی وقتی خلل می پذیرد که خوف عمومی و ناامنی جای امنیت را بگیرد و بر حسب طبع وقتی محارب می تواند چنین خوفی در جامعه پدید آورد که مردم را با اسلحه تهدید به قتل کند و به همین جهت است که در سنت یعنی روایاتی که در تفسیر این آیه وارد شده نیز محاربه و فساد فی الارض به چنین عملی یعنی به شمشیر کشیدن و مثل آن تفسیر شده است.» (طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، جلد پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، 1374، ص 533). در نتیجه صرف بیان «تجرید السلاح لاخافه الناس» نمی تواند کامل و جامع باشد. زیرا در بردارنده اخلال در امنیت نمی باشد. اما می توان گفت که این تعریف مانع اغیار محسوب می شود. بدین ترتیب بهتر است محاربه را چنین تعریف نمود: "محاربه عملی است که موجب اخلال در امنیت و ایجاد رعب، هراس و ترس عمومی، از طریق به کارگیری سلاح شود." در ذیل به منظور تدقیق این مطلب به تبیین ارکان متشکله محاربه به صورت مختصر می پردازیم.

## 1. رکن قانونی

رکن رکن تحقق پدیده جنایی منوط به وجود قانون، قبل از ارتکاب عمل مجرمانه است. حقوقدانان وجود قبلی قانون و تعیین شرایط قانونی هر جرم و تعیین میزان مجازات قانونی آن را رکن قانونی نامیده اند (محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی (پدیده مجرمانه)، جلد دوم، تهران، انتشارات گنج دانش، 1382، ص 103). اصل یکصد و شصت و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران معین نموده که هیچ فعلی یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی شود. در سایر قوانین عادی همچون ماده 10 قانون مجازات اسلامی نیز صراحتاً به وجود رکن قانونی اشاره شده است. در قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 قانونگذار در ماده 279 رکن قانونی جرم محاربه را مشخص کرده است.

## 2. رکن مادی

(مقصود و منظور از رکن مادی آن است که افکار و مقاصد مجرمانه مرتکب از حالت فکر و تهیه نقشه خارج و به مرحله عمل در آید (همان، ص 130).) با توجه به این تعریف حقوقدانان شیوه و رویه های مختلفی در بیان رکن مادی هر یک از جرایم پیش گرفته اند. عده ای رکن مادی را در فعل ارتكابی و نتیجه جرم خلاصه کرده اند. عده دیگری با بیان شرایطی که بیشتر جنبه شرح ماده را دارد رکن مادی جرم را به دو بخش کلی و خاص جرم مورد بحث تقسیم



کرده اند (گلدوست، جویباری، رجبعلی، پیشین، ص 29). در مقابل برخی دیگر معتقدند رکن مادی هر جرمی، قدر متیقن ده عنصر دارد که برای تبیین رکن مادی هر یک از عناصر توضیح خاص خود را می‌طلبد (موسوی مجاب، سید درید، پیش درآمدی بر مباحث حقوق کیفری اختصاص (جزوه)، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، 1390، ص 35).

برخی نیز رکن مادی را به سه جزء رفتار فیزیکی، اوضاع و احوال و شرایط خاص هر جرم و نتیجه مجرمانه تقسیم کرده‌اند (میرمحمد صادقی، حسبن، حقوق کیفری اختصاصی 3 (جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی)، تهران، نشر میزان، 1392، صص 23-26). در ادبیات حقوقی کشور، در بیشتر مواقع به جای استفاده از واژه «رکن» از واژه «عنصر» برای بیان رکن قانونی، مادی و معنوی جرم استفاده شده است، حال آنکه اصولاً ابتدا باید از رکن سخن گفت، آنگاه از عناصر و مولفه‌های مربوط به آن بحث نمود. به نظر می‌رسد بهترین راهکار عملی که جامع همه رویه‌های دکتین حقوق باشد، تلفیق نظرات مختلف است. بی‌شک عناصر مختلفی ذیل رکن مادی یک جرم بایستی بحث شود که بهتر است؛ در چهار عنصر کلی موضوع، نحوه عمل مرتکب، نتیجه مجرمانه و شرایط و اوضاع و احوال خاص هر جرم مورد بررسی واقع گردد. به طور طبیعی ذیل هر یک از عناصر قیود و شرایطی قابل بحث می‌باشد. شایان ذکر است جرایم به اعتبار لزوم تحقق یا عدم تحقق نتیجه به دو قسم جرم مطلق و مقید تقسیم می‌شوند پس عنصر سوم صرفاً در جرایم مقید به نتیجه قابلیت بحث دارد. با توجه به اینکه رکن مادی هر جرم عینی‌ترین جزء هر جرمی بوده و بروز خارجی فعل و انفعالات ذهنی مرتکب را شامل می‌گردد و با توجه به حدی بودن جرم محاربه و تغییرات محتوایی قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 در این باره، تحلیل رکن مادی محاربه در مقارنه با فقه ضروری به نظر می‌رسد. موضوع بحث حاضر مشخصاً به تحقیق و تحلیل رکن مادی جرم محاربه پرداخته که شرح مبسوط آن در آتی خواهد آمد.

### 3. رکن معنوی

برای احراز مجرمیت بزهار و سپس مجازات نمودن آن وجود قصد مجرمانه یا عمد مرتکب لازم می‌باشد. مکاتب حقوقی به احراز رکن معنوی توجه ویژه‌ای داشته‌اند. (مکتب نئو کلاسیک که اساس مجازات را بر مختاریت و آزادی انسان استوار می‌کند و مکتب تحقیقی که جرم را از لحاظ خطرناکی فاعل آن قابل تعقیب می‌داند رکن معنوی را یکی از ارکان ضروری جرم دانسته‌اند (علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، جلد اول، تهران، انتشارت فردوسی، 1385، ص 60). منظور از رکن معنوی در لسان حقوقدانان آن است که مرتکبی عملی را که طبق قانون جرم شناخته شده با قصد مجرمانه انجام داده و یا آنکه آن عمل مرتکب، همراه با تقصیر جزایی باشد (محسنی، مرتضی، پیشین، ص 201). در موضوع حاضر با توجه به قسمت انتهایی ماده 279 که بیان می‌دارد: "... به نحوی که موجب نا امنی در محیط گردد." محاربه از جمله جرایم عمدی مقید به نتیجه می‌باشد، که رکن معنوی آن، قصد کشیدن سلاح به همراه قصد اخافه و ایجاد نا امنی برای مردم است.



## تحقیق و تحلیل رکن مادی جرم محاربه

### موضوع جرم

موضوع جرم محاربه مستخرج از ماده 279 (ق.م.ا) امنیت مردم می‌باشد. به این معنی که مرتکب با رفتار مجرمانه خود و با ایجاد رعب و هراس و به قصد جان و مال و نوامیس مردم، در پی ایجاد ناامنی در محیط عمومی و اجتماعی مردم است. چنانچه بیان شد تعیین مرتکب این جرم دارای اهمیت است. اصولاً این بحث بسیار در کشور ما مطرح می‌شود که هر گونه رفتار مجرمانه‌ای که همراه با سلاح باشد و یا به قصد لطمه به نظام باشد، محارب می‌دانیم! در حالی که ممکن است آن رفتار عنوان مجرمانه دیگری داشته باشد. محارب خواندن مرتکب بدون دلیل و استدلال موجه بی شک تهمت و در غایت اشکال و مستوجب عذاب الهی است. پژوهش را در راستای پاسخ به این سوال که با توجه به منابع فقهی و حقوق کیفری موضوعه چه رفتاری را می‌توانیم به عنوان محاربه و چه کسانی را بعنوان محارب تلقی کنیم، پی می‌گیریم.

### نحوه عمل مرتکب

برای تحقق جرمی کیفیت و چگونگی رفتار وی حایز اهمیت ویژه‌ای می‌باشد. برای آنکه عنوان محارب بر شخصی بار گردد نیازمند بررسی دقیق رفتار فیزیکی، توانایی وی و تحلیل وسیله‌ای هستیم که وی از آن استفاده کرده است.

### 1. رفتار فیزیکی

از ظاهر ماده 279 (ق.م.ا) و منابع شرعی چنین بدست می‌آید که جرم محاربه تنها از طریق فعل مادی مثبت قابل تحقق است (زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی (بخش حدود)، جلد دوم، تهران، انتشارت ققنوس، 1390، ص 93). و با توجه به قید «کشیدن سلاح» در ماده مورد بحث بدست می‌آید فعل مادی در قالب عمل مثبت تبلور می‌یابد. بنابراین فعل منفی نمی‌تواند عنصر مادی و رفتار مجرمانه این جرم باشد.

### 2. وسیله ارتکاب جرم

قبلاً بیان شد که همگی فقها شرط «تجريد السلاح لإخافه الناس» را برای تحقق جرم محارب، از جمله شرایط محارب دانسته‌اند. بدین ترتیب شرط دوم در نحوه عمل مرتکب جرم استفاده از سلاح است. جهت رعایت اختصار از تکرار تعاریف فقها خودداری نمود و صرفاً بار دیگر عبارت صاحب جواهر (ره) را می‌آوریم که فرمودند: «المحارب كل من جرد السلاح أو حمله لإخافه الناس و لو واحد لواحد علی وجه يتحقق به صدق إرادة الفساد فی الارض» (نجفی محمد حسن، پیشین، ص 564). در لسان روایات نیز بکارگیری و استفاده از سلاح آمده است. امام باقر (ع) در صحیح ابن مسلم در یک حدیث طولانی در بیان کلیه مباحث محاربه می‌فرمایند: «هر کس در شهری از شهرها اسلحه بکشد

... محارب است.» و یا در خبر ضریس از امام باقر(ع) آمده است: «و قال فی خبر ضریس من حمل السلاح باللیل فهو محارب.» (همان، ص 565). در قانون مجازات اسلامی نیز در سنوات 61، 70 و 92 به کارگیری سلاح شرط تحقق محاربه و از جمله ملزومات محارب است. ماده 279 (ق.م.ا) بیان می‌دارد: «محارب عبارت است از کشیدن سلاح به قصد... است.» بنابراین برای تحقق این جرم کافی نیست که صرفاً شخص با استعمال الفاظ به تهدید زبانی پردازد و یا برای دیگران خط و نشان بکشد. (شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای اختصاصی (جرائم علیه آسایش عمومی)، جلد سوم، تهران، 1392، ص 36). و یا از هر طریق دیگری ایجاد ناامنی و رعب و هراس عمومی کند، بلکه بایستی صرفاً از سلاح بهره گیرد. وسیله ارتکاب جرم و نوع آن در برخی از جرایم موضوعیت داشته و در بعضی دیگر از جرایم طریقت دارد؛ به عبارتی دیگر در برخی جرایم وسیله مجرمانه مورد استفاده باید واجد وصف خاصی باشد و در مقابل برخی دیگر از جرایم وسیله مجرمانه صرفاً طریقی برای ارتکاب به جرم است. به دیگر سخن هر وسیله‌ای می‌تواند طریقی برای ارتکاب آن جرم باشد. به طور مثال مطلق جرم قتل که می‌تواند با هر وسیله‌ای ارتکاب یابد، هر چند در این باره نیز بایستی قائل به تفصیل شد. جرم محاربه از آن نوع جرایمی می‌باشد که وسیله ارتکاب مجرمانه موضوعیت دارد. به این معنی که وجود یا عدم وجود سلاح در تحقق جرم موثر و دارای موضوع خاصی می‌باشد. در بین فقها و حقوقدانان در معنای سلاح به شدت اختلاف نظر وجود دارد. همگی آنها شرط استفاده از سلاح در تحقق جرم محاربه را لازم می‌دانند، لیکن در معنای سلاح و اینکه کدام وسیله می‌تواند تجلی عینی سلاح باشد اختلاف نظر دارند. در مقام جمع نظرات آنان می‌تواند گفت سه نظریه وجود دارد: برخی به استناد به روایت امام باقر(ع) که فرمودند: «کسی که در شهری به آهنی اشاره کند (شمشیر یا چاقویش را نشان دهد) بدون اینکه ضرب و جرحی با آن انجام بدهد، باید دستش بریده گردد و اگر با آن ضرب و جرحی وارد کرد، باید کشته شود.» سلاح را محدود به سلاح آهنین کرده‌اند. فقها نسبت به سند روایت ایراد گرفته و به جهت عمر بن شمر که در سند راویان این حدیث وجود دارد آنرا معتبر نمی‌دانند. (فاضل لنکرانی، محمد، آئین کیفری اسلام، جلد سوم، قم، انتشارات مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، 1390، ص 325). گروه دوم استفاده از سنگ و چوب و... را برای تحقق عنوان محاربه کافی می‌دانند. مرحوم علامه حلی در این در زمینه می‌فرماید: «اسلحه شرط نیست بلکه اگر مرتکب برای ترساندن مردم از سنگ و عصا هم استفاده کند محارب محسوب می‌شود.» (زراعت، عباس، پیشین، ص 98). در تکمیل نظر علامه (ره) شارح تحریرالوسیله می‌فرماید: «هر چند فقها تعریف محارب را به سلاح مقید کرده‌اند، لیکن قوام و حقیقت محاربه به این است که قصدش ترساندن مردم و ایجاد فساد باشد و کاری از او سرزند که این نتیجه را به دنبال داشته باشد. در تحقق این معنا فرقی بین چاقو و سنگ و چوب نیست.» (فاضل لنکرانی، محمد، پیشین، ص 326). در بین حقوقدانان نیز هستند کسانی که تحقق محاربه را صرفاً اختلال در امنیت می‌دانند، خواه همراه با استفاده از سلاح باشد یا نباشد، خواه مقرون به غارت باشد یا نباشد. (جعفری لنگرودی، محمد جعفر، پیشین، ص 621) مستند این نظر روایت سکونی از

امام صادق (ع) از قول پدر بزرگوارشان حضرت امیر(ع) است که فرمودند: «انه یغرم قیمه الدار و ما فیه ثم یقتل».) محمدبن علی، این بابویه (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، جلد چهارم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، 1413، ص 162.) به این نظریه ایراد گرفته شده و ثبوت ترساندن مردم توسط تازیانه و سنگ و چوب و... را حکمی دارای اشکال دانسته‌اند. (خمینی(ره)، روح الله، پیشین، ص 525.) وسیع تر از تفسیر قائلین به نظر دوم، آن گروه از فقها هستند که مطلق اخذ بقوه و به کار بردن زور و قهر و غلبه حتی با استفاده از توان و قدرت بدنی را در تحقق محاربه کافی می‌دانند. (میرمحمدصادقی، حسین، پیشین، ص 50.) اما آنچه که باعث تعجب است حذف تبصره سوم ماده 183 قانون سابق مجازات اسلامی در قانون جدید است. معلوم نیست قانونگذار به چه علت تن به وجود ابهام در ماده 279، با حذف تبصره اشاره شده داده است؟ آیا قانونگذار تسلیم اختلاف نظر بین فقها و حقوقدانان شده است؟ پذیرش این مسأله یعنی ایجاد فرصت در محاکم برای تفسیر به رأی و در این حالت قطعاً حقوق متهم تضییع خواهد شد. یا قائل به بداهت مسأله شده و معتقد است مسأله روشن است و نیاز به مبین خاصی نیست؟ در این حالت نیز، بنا بر آنچه که در علم اصول فقه بحث می‌شود، نیاز به قرائن، اعم از حالیه یا مقالیه است که در ماده 279 چنین قرائنی مشاهده نمی‌شود. بهتر بود حداقل قانونگذار یک نظر را ولو بر اساس ذوق و نه استدلال و تدبیر بر می‌گزید تا راه سوء استفاده و تفسیر موسع در این زمینه بسته شود. به نظر می‌رسد معنای سلاح مورد استفاده در ماده 279 قانون جدید و با توجه به نظرات فقها و وجود روایات و همچنین اصل تفسیر به نفع متهم و تفسیر مضیق قوانین کیفری، باید حمل به معنای عرفی آن نمود. از این حیث عرف هیچ گاه سلاح را در چوب و سنگ و... معنا نمی‌کند، بلکه سلاح را اعم از سلاح سرد مثل شمشیر، چاقو و قمه و... و سلاح گرم مثل تفنگ و... می‌داند. در این باره اداره حقوقی قوه قضاییه طی نظریه 1371/6/9-7/5620 در پاسخ به این سوال که آیا داس و بیل و چهار شاخ، اسلحه محسوب می‌شود یا خیر، چنین نظر داده است: «بنابر مستفاد از آیین نامه قانون اسلحه و مهمات جنگی و مواد محترقه مصوب 27 اسفند ماه 1317 و فهرست انواع اسلحه سرد جنگی و شکاری موضوع تبصره 2 ماده یک قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات مصوب بهمن ماه سال 1350 وسیله مذکور در استعلام، ابزار کار بوده و اسلحه محسوب نمی‌گردند. «قانون پیش گفته، در سال 1390 به وسیله «قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیر مجاز صراحتاً نسخ شد. ماده 5 قانون اخیرالذکر، به طور کلی، به سلاح‌هایی مثل سلاح سرد جنگی، سلاح گرم سبک غیر خودکار، سلاح گرم سبک خودکار و سلاح گرم نیمه سنگین و سنگین اشاره کرده است. همچنین تبصره الحاقی سال 1387 به بند 3 ماده 651 «قانون تعزیرات» مصوب 1375، در تفسیر معنای سلاح در ماده 279 «قانون مجازات اسلامی» مصوب 1392، مورد استفاده بوده و از این حیث محل بحث است. موضوع بند سوم ماده 651 سرقت مسلحانه است که مسلح بودن یک یا چند نفر از سارقان به سلاح ظاهر یا مخفی را اشاره کرده است. تبصره الحاقی منظور از سلاح را در موارد ذیل دانسته است: انواع سلاح گرم، تفنگ و نارنجک، انواع سلاح سرد، مثل قمه و شمشیر

و کارد و چاقو و پنجه بوکس، انواع سلاح سرد جنگی، مشتمل بر کارد های سنگری متداول در نیروهای مسلح و سر نیزه های قابل نصب بر روی تفنگ، انواع اسلحه شکاری، شامل تفنگ های ساچمه زنی، تفنگ های مخصوص بیهوش کردن جانداران و تفنگ های ویژه شکار حیوانات آبی. « به نظر می آید تا رفع ابهام و معلوم شدن نظر قطعی قانونگذار از معنای سلاح در تحقق عنوان محاربه بهتر است در تفسیر معنای سلاح تبصره الحاقی بند سوم ماده 651 «قانون تعزیرات» را حاکم بدانیم.

### 3. توانایی مرتکب

قسمت انتهایی ماده 279 قانون جدید مجازات اسلامی بیان می دارد: «... و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی شود.» شرط اقتدار برای صدق عنوان محارب بر مرتکب موضوع جرم محاربه از دیگر مواردی است که بایستی قبل از هر اظهار نظری مورد کنکاش قرار گیرد. البته در مورد شرط اقتدار محارب یا عدم شرط آن بین فقها اختلاف نظر وجود دارد. مرحوم علامه حلی در کتاب قواعد الاحکام آن را شرط می داند و شهید اول در لمعه آن را شرط نمی داند. (زراعت، عباس، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی مصوب 1392، جلد اول، تهران، انتشارات ققنوس، 1392، ص 379). درست است که اقتدار محارب شرط بوده و فرد ضعیف در صورت اسلحه کشی اگر موجب سلب امنیت نشود، محارب نیست، اما باید در معنای سلاح قائل به تفصیل شد. اگر منظور از سلاح، سلاح سرد باشد پذیرش این شرط ممکن به نظر می رسد. اما اگر سلاح به کارگیری شده از جمله سلاح گرم باشد که توانایی فراوانی را برای استفاده نیاز ندارد، وجود این شرط محل اشکال است. ضمن اینکه در صرف استفاده از سلاح، سلب امنیت نهفته است. به نظر می رسد وجود چنین شرطی در حال حاضر خالی از اشکال نیست، لیکن به هر تقدیر با توجه به قسمت انتهایی ماده 279 قانون جدید توانایی مرتکب شرط دانسته شده است. ماده قانونی بیان می دارد: «... کسی که به روی مردم سلاح بکشد ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی شود.»

### نتیجه مجرمانه

محاربه با توجه به قانون مجازات اسلامی مصوب 1392، بی شک مقید به نتیجه است. در قانون سابق بین حقوقدانان اختلاف نظر مشاهده می شد. عده ای معتقد بودند صرف بردن به اسلحه به قصد ایجاد رعب و هراس کافی دانسته شده و نتیجه ای هم ملحوظ نشده است. بنابراین دست بردن به اسلحه به قصد ایجاد رعب و هراس محاربه است خواه دست بردن به اسلحه موجب هراس افراد بشود یا نشود. (گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات مجد، 1388، ص 119). در بین فقها مرحوم شهید ثانی در شرح لمعه قائل به اطلاق محاربه بوده و می فرماید: "کسی که اسلحه برداشته بنابر اصح قولین چه قصد بکند که بترساند چه قصد نکند محارب است." به این نظر صاحب

جواهر (ره) ایراد گرفته و می‌فرماید: من این قول را از کسی از فقها ندیده‌ام و اگر هم باشد شاذ و خلاف اصول است و در ادامه، نظر خود را چنین بیان می‌دارد: «و إن كان قد يستدل بإطلاق الأدله أنه منزل ولو بقريه الفتاوى و الغلبه و درء الحد و الانسحاق و غير ذلك على الاول» (نجفی - محمدحسن - پیشین، ص 567). بنابراین آنچه مسلم است مقید بودن محاربه در بین مشهور فقها به ترساندن مردم می‌باشد. بر این پایه در حقیقت ماده 279 قانون جدید پایانی بر اختلاف نظرات موجود بین فقها و حقوقدانان است؛ چرا که مسلماً تفقه در ماده فوق‌الذکر مقید بودن جرم را بیان می‌دارد. این نتیجه از قسمت انتهایی این ماده حاصل می‌شود که بیان می‌دارد: (هر کسی که از روی ناتوانی موجب سلب امنیت نشود محارب محسوب نمی‌شود). بدین قرار نتیجه حاصله از اقدام مرتکب بایستی موجب ناامنی در محیط گردد. در نتیجه در عمل تحقق و اثبات جرم محاربه به نظر می‌رسد نسبت به قبل سخت‌تر می‌گردد. چرا که سلاح کشیدن به قصد جان، مال، ناموس و ارباب مردم بایستی منتج به ناامنی در محیط نیز گردد که البته احراز آن محل تفسیر به رأی خواهد بود.

## شرایط و اوضاع و احوال خاص جرم

### 1. خصوصیت مرتکب

قانونگذار سال 1370 در صدر ماده 183 قانون مجازات اسلامی کلمه «هر کس» را به کار برده بود. در قانون جدید این کلمه حذف شده است. و شاید علت آن بدیهی بودن مسأله باشد. بدین قرار هر کسی اعم از زن یا مرد، مسلمان یا غیر مسلمان محارب می‌تواند باشد. در محارب بودن به عقیده اکثر فقها بلکه مشهور فقها مرد و زن مساوی هستند. صاحب جواهر (ره) می‌فرماید: «و یستوی عند الاكثر بل المشهور فی هذا الحکم الذکر و الاثنی إن اتفق» (نجفی، محمدحسن، پیشین، ص 568). در مقابل به نظر می‌رسد فقط ابن ادریس (ره) است که در سرائر محارب را صرفاً مرد می‌داند. و بیان این حکم را مستند به شیخ طوسی (ره) در کتاب خلاف و مبسوط نقل می‌کند و سپس می‌گوید: این دو کتاب بیشترشان نقل قول سنی‌ها است. و نزد ما کسی زنی را برای محاربه نمی‌کشد. (ابن ادریس حلی، محمدبن منصور، پیشین، ص 508). صاحب جواهر (ره) معتقد است این اشتباه و اشتباهاتی نظیر این، مجازات بی‌ادبی ایشان نسبت به شیخ طوسی (ره) و بزرگان دیگر است (نجفی، محمدحسن، پیشین، ص 568). اما نظر و رأی ابن ادریس (ره) بدون در نظر داشت اطلاق ادله وارده چندان هم بی‌جهت نیست زیرا در امتداد سیاست جنایی شارع مقدس از حمایت جنس مونث می‌باشد. به هر حال نظر وی در اینجا صائب نیست و محارب می‌تواند زن یا مرد، مسلمان یا غیر مسلمان باشد. شایان ذکر است مرتکب جرم شامل یک فرد می‌شود، بنابراین شرط تحقق جرم محاربه آن نیست که به صورت دسته جمعی و توسط چند نفر صورت گیرد (زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی، بخش حدود، پیشین، ص 96). از جمله شروطی که در ویژگی شخص محارب بیان شده است، عدم تبهکار بودن وی است. مرحوم محقق در

شرايع می فرماید: (المحارب كل من جرد السلاح لإخافه الناس في بر أو بحر ليلا كان او نهار في مصر و غير، هل يشترط كونه من اهل ريبه، فيه تردد، أصححه انه لا يشترط مع العلم بقصد الاخافه) (محقق حلي، نجم الدين، شرايع الاسلام في مسائل الحلال و الحرام، جلد چهارم، قم، مؤسسه اسماعيليان، 1408، ص 167) شهيد ثانی در مسالك عين همین عبارت را تکرار کرده اند، سایر فقها نیز معتقدند در تحقق صدق عنوان مرتكب به عنوان محارب اهل ريبه به معنای تبهکار بودن شرط نیست. منظور از اهل ريبه کافر یا مشرک نیست. بلکه مراد انسان لا اُبالی است که هر آینه احتمال می دهیم ارتکاب جرم و ایجاد نا امنی کند. به قولی محارب محدود به فرد دارای سابقه کیفری نمی باشد. آیه و روایات نیز مقید به اهل ريبه نیست. فقط یک روایت مشتمل بر این قید است: (محمد ابن سنان یاسناد عن محمد بن یحیی، عن العباس بن معروف، عن الحسين بن محبوب، عن علی بن رثاب، عن ضریس، عن ابي جعفر (ع) قال: من حمل السلاح بألئله فهو محارب إلا أن يكون رجلاً ليس من أهل الریبه.) (حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، جلد بیست و هشتم، قم، نشر مؤسسه آل بیت، 1409، ص 313). امام باقر (ع) در این روایت می فرمایند: «کسی که در شب با خودش سلاح بردارد. محارب است مگر آنکه اهل ريبه نباشد.» عده ای از این روایت استدلال کرده اند که در تحقق عنوان محارب، اهل ريبه بودن شرط است، زیرا امام (ع) فرمودند کسی که اهل ريبه نیست محارب نمی باشد. در رد این استدلال بیان شده است: «در محارب دو نوع بحث وجود دارد: بحث ثبوتی و اثباتی؛ یعنی یکبار بحث ما در حقیقت و معنای محارب است، چه خصوصیات و شرایطی در آن دخالت دارد و یک بار سخن در کیفیت اثبات محارب است که با چه چیزی ثابت می شود شخصی محارب است. این روایت بیانگر مقام اثبات است نه ثبوت، زیرا اگر در صدد بیان معنای محارب بود، باید قید اخافه و اراده افساد فی الارض و غیر آن را نیز مطرح کند. علاوه بر اینکه قید «لیل» دخلی در تحقق محاربه ندارد، لذا روایت می گوید: «اگر کسی را دیدید شب سلاح برداشته و از اهل ريبه است، او محارب است؛ یعنی محاربه به حمل سلاح در شب به شرط اهل ريبه بودن ثابت می گردد؛ در حالی که بحث ما در مقام ثبوت است.» (فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله - الحدود، قم، نشر مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، 1422، ص 634). بنابراین هر کس اعم از زن یا مرد، مسلمان یا غیر مسلمان، منفرداً یا جمعاً، مرتكب موضوع جرم محارب گردد، محارب محسوب می شود، خواه اهل ريبه باشد یا نباشد.

## 2. خصوصیت بزه دیده

بزه دیده از عناصر اساسی رکن مادی است؛ اما جزء موارد مصرح قانون منوط اعتبار نیست. در جرم شناسی و مباحث مربوط به آن به شخصیت بزه دیده توجه و بزه دیده شناسی دارای اهمیت در آن علم می باشد. جرم شناسان معتقدند بزه دیده کسی است که یک خسارت قطعی، آسیبی به تمامیت شخصی او وارد آورده است و اکثر افراد جامعه هم به این مسأله اذعان دارند. (رهامی، محسن، جرائم بدون بزه دیده، تهران، نشر میزان، 1389، ص 29). در مورد جرم

محاربه نیز شخصیت بزه دید، دین، آیین و حتی تابعیت وی مناط نیست. اقدام مجرمانه محاربه علیه هر فردی موجب تحقق جرم است. صرفاً عده‌ای از فقها من جمله سلار (ره) و شیخ مفید (ره) معتقدند محارب کسی است که شمشیر خود را علیه مسلمانان برهنه کرده و موجب رعب و هراس آنها گردد. پس آنان جرم محاربه را مقید به سرزمین اسلام می‌دانند. در جواهر الکلام آمده است: «و فی کشف اللثام «مسلمین» و لعله الذی اراده المفید و سلار حیث قیدا بدار الاسلام، و فیہ أن التقیید بها یشمل المسلمین فیها و غیرهم.» (نجفی، محمدحسن، پیشین، ص 564). به این نظر سلار (ره) و شیخ مفید (ره) صاحب جواهر (ره) ایراد کرده و بیان می‌دارد: ترساندن مردم هم شامل مسلمان و هم شامل غیر مسلمان‌ها (اهل ذمه و کسانی از اهل کتاب) است. همچنین این نظر موافق عمومات قرآن و روایات و موارد اجماع است که با ترساندن هر کسی که ترساندنش حرام است چه مسلمان و چه غیر مسلمان چه در بلاد اسلام و چه در بلاد غیر اسلامی محاربه تحقق پیدا می‌کند. پس بزه دیده مطلق و شامل هر کسی می‌تواند باشد. سوالی راجع به بزه دیده مطرح می‌شود که آیا سلاح کشیدن و ایجاد رعب و هراس که برای تحقق محاربه شرط می‌باشد؛ مقصود آن مردم، جمعیت و گروه است، یا اینکه این اقدامات علیه یک نفر هم موجب تحقق محاربه می‌گردد؟ بی‌شک بایستی محاربه در ملاء عام و علنی صورت گیرد، چرا که ارباب به صورت علنی تحقق می‌یابد و اگر جنبه عمومی بودن را شرط تحقق جرم بدانیم شرط علنی بودن ضرورت بیشتر می‌یابد. با اینکه فقها در اکثریت مواقع در تعریف محاربه قید «الناس» را مضاف الیه «اخافه» آورده اند؛ با این وجود معتقدند که محاربه علیه یک نفر نیز صادق است. (فاضل لنکرانی، محمد، آئین کیفری اسلام، پیشین، ص 326). در مقابل هستند کسانی که معتقدند مرعوب شدن عده‌ای در عالم واقع شرط نیست و ضرورتی ندارد، چنانچه صاحب جواهر (ره) ذیل عبارت «برای ترساندن مردم» که در شرایع الاسلام آمده است، را توضیح می‌دهد: (ولو یک نفر را بترساند) (میرمحمد صادقی، حسین، پیشین، ص 49). شاید منظور در این عبارت این باشد که محاربه جنبه عمومی دارد اما اگر در عالم واقع ولو یک نفر هم بترسد، محقق می‌شود. به هر صورت با توجه به ماده 279 (ق.م.ا) چنین برداشت می‌شود که عمل محارب باید جنبه عمومی و قصد ترساندن مردم و برهم زدن امنیت را داشته باشد، ولو اینکه در عمل احدی از آحاد مردم بترسد. در تکمیل این بحث بایستی به رکن معنوی در این زمینه نیز توجه شود، بدین قرار اگر کسی قصد غارت و یا حتی ترساندن یک نفر را داشته باشد، و نیت آن سرقت یا زورگویی باشد، محارب خواندن مرتکب مشکل است. بنابراین عمل محارب باید استفاده از سلاح در ملاء عام به قصد ترساندن و برهم زدن امنیت و دارای جنبه عمومی باشد. به این معنی که عمل محارب باید در محل عبور و مرور مردم مانند خیابان‌ها، مساجد، مدارس، بازارها، سینما و بانک‌ها و... باشد تا مصداق محارب خوانده شود. ولی اگر تهدید علیه یک یا چند نفر به خصوص باشد و جنبه عمومی نداشته باشد این عمل محاربه نیست. به همین جهت در دنباله ماده 279 قانون مجازات اسلامی تاکید شده است: (..... هر گاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد. .... محارب محسوب نمی‌شود).



بنابراین با در نظر داشت سایر قیود تحقق عنوان محاربه باید گفت عمل مرتکب بایستی جنبه عمومی داشته باشد ولو اینکه در واقع موجب خوف و ترس و ارباب حتی یک نفر باشد.

#### 4. خصوصیت زمانی و مکانی ارتکاب جرم

مستفاد از ماده 279 (ق.م.ا) زمان و مکان وقوع محاربه مطلق بیان شده است. اطلاق این ماده نیز به نظر می رسد مستند به نظر مشهور فقها است. هر چند در بین فقها ارتکاب محاربه در شهر یا خارج از شهر محل اختلاف شده است. و این اختلاف در بین علماء عامه بیشتر است؛ لیکن نظر مشهور همان است که صاحب جواهر (ره) آورده است: «و محاربه الله و رسوله تصدق بالاخافه المزبور لکل من حرم الله إخافه کصدقها علی ما کان فی بر أو بحر أو نهاراً أو فی مصر و غیره» (نجفی، محمدحسن، پیشین، ص 564). بنابراین زمان و مکان وقوع جرم مدخلیتی در تحقق این جرم ندارد.

#### نتیجه گیری

با عنایت به تغییر و تکمیل رویکرد قانونگذار نسبت به جرایم علیه امنیت مستوجب حد در قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 و احراز مجرمیت و مجازات نمودن مرتکب محاربه و در مقابل جلوگیری از صدور حکم بلاوجه علیه فرد متهم به ارتکاب این جرم، مورد مذاقه قرار گرفتن این جرم از ضروریات حقوق کیفری است. تتبع در آراء فقها و بررسی قوانین موضوعه در مورد جرم محاربه نشان می دهد که اثبات رکن مادی در تحقق عنوان محارب بر مرتکب رفتار مجرمانه ضروری دانسته شده است؛ زیرا وجود خارجی هر جرمی نیازمند پیدایش رکن مادی است. همانطور که قبلاً نیز گفته شد اثبات جرم علاوه بر رکن مادی به رکن روانی نیز نیازمند است. همچنین شرایط تحقق و عدم تحقق مسئولیت کیفری به منظور قابلیت انتساب رفتار مجرمانه به مرتکب نیز از جمله ضروریات خواهد بود. در این مقال آنچه بیان شد، تحلیل و شرح مبسوطی از رکن مادی جرم محاربه بود تا براساس قاعده، مشخص گردد محارب چه کسی می باشد زیرا تا زمانی که افکار مجرمانه شخصی به منصف ظهور در نیاید و بر اساس قواعد حقوقی جنبه خارجی و نمود عینی پیدا نکند نمی توان فردی را مجرم دانست. بنابراین از آنچه در این مقال تحقیقا بدست آمد معلوم شد: محارب کسی است که با استفاده از سلاح اعم از سلاح گرم یا سرد با داشتن توانایی و اقتدار خاص موفق به ایجاد رعب و وحشت در بین مردم و در نتیجه موجب نا امنی در محیط اجتماعی گردد. بنابراین کسی را می توان محارب خواند که حداقل مرتکب رفتار و عناصری شده باشد که در اثبات و تحقق رکن مادی موثر در مقام هستند.

#### منابع و مأخذ

ابن ادریس حلی، محمد بن منصور، *السرائر الحاوی التحریر الفتاوی*، جلد سوم، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. 1410.

ابن منظور، محمد بن مکرّم، *لسان العرب*، جلد اول، چاپ سوم، بیروت، نشر دارالفکر، 1414.

- اردبیلی، محمد، **حقوق جزای عمومی**، جلد نخست، چاپ بیست و سوم، تهران، نشر میزان، 1389.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، **ترمینولوژی حقوق**، چاپ هجدهم، تهران، کتابخانه گنج دانش، 1386.
- حر عاملی، محمد بن حسن، **تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، مجلد بیست و هشتم، چاپ اول، قم، نشر موسسه آل البیت (ع)، 1409.
- خمینی (ره)، روح الله، **تحریر الوسیله**، ترجمه و تحقیق مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، 1386.
- خویی، ابوالقاسم، **تکمله المنهاج**، چاپ بیست و هشتم، قم، نشر مدینه العلم، 1410.
- رهامی، محسن، **جرایم بدون بزه دیده**، چاپ دوم، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان، 1389.
- زراعت، عباس، **شرح قانون مجازات اسلامی**، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، ققنوس، 1390.
- .....، **شرح مختصر قانون مجازات اسلامی مصوب 1392**، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات ققنوس، 1392.
- شامبیاتی، هوشنگ، **حقوق جزایی اختصاصی (جرایم علیه آسایش عمومی)**، جلد سوم، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، 1392.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، **مسالك الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام**، جلد پانزدهم، چاپ اول، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1413.
- طباطبایی، محمد حسین، **تفسیر المیزان**، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، جلد پنجم، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم، 1374.
- علی آبادی، عبدالحسین، **حقوق جنایی**، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، انتشارات فردوسی، 1385.
- فاضل لنکرانی، محمد، **تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله-الحدود**، چاپ اول، قم، نشر مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، 1422.
- فاضل هندی، محمد بن حسن، **کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام**، جلد دهم، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1416.
- فاضل لنکرانی، محمد، **آیین کیفری اسلام (درس های خارج فقه کتاب الحدود)**، جلد سوم، چاپ اول، قم، انتشارات مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، 1390.
- فیض، علیرضا، **مقارنه و تطبیق در حقوق عمومی اسلام**، چاپ هفتم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1385.
- قریشی، علی اکبر، **لغت نامه قاموس قرآن**، جلد دوم، چاپ ششم، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه، 1412.
20. گلدوزیان، ایرج، **محتسای قانون مجازات اسلامی**، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات مجد، 1388.
- گلدوست جویباری، رجبعلی، **جرایم علیه امنیت کشور**، چاپ دوم، تهران، انتشارات جنگل جاودانه، 1388.
- مجلسی اول، محمد تقی، **یک دوره فقه کامل فارسی**، چاپ اول، تهران، موسسه انتشارات فراهانی، 1400.

محمد بن علی، ابن بابویه (شیخ صدوق)، *من لا یحضره الفقیه*، جلد چهارم، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1413.

## References

Ibn Idris Hilli, Muhammad bin Mansur ,*Al-Sara'ir al-Hawi al-Tahreer al-Fatawi* ,Volume 3, 2nd edition, Qom, Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom, 1410 AH.

Ibn Manzur, Muhammad bin Mukarram ,*Lisan al-Arab* ,Volume 1, 3rd edition, Beirut, Dar al-Fikr Publishing, 1414 AH.

Ardabili, Muhammad ,*General Criminal Law* ,Volume 1, 23rd edition, Tehran, Mizan Publications, 1389 AH.

Jafari Langarudi, Muhammad Jafar ,*Terminology of Law*18 ,th edition, Tehran, Ganj Danesh Library, 1386 AH.

Hurr Ameli, Muhammad bin Hassan ,*Al-Tafseel Wasail al-Shi'a ila Tashil Masail al-Shari'a* , Volume 28, 1st edition, Qom, Al al-Bayt (a.s.) Institute, 1409 AH.

Khomeini (r.a.), Ruhollah ,*Tahrir al-Wasila* ,Translated and researched by the Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, Volume 2, 2nd edition, Tehran, Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, 1386 AH.

Khoei, Abu al-Qasim ,*Taqmila al-Minhaj*28 ,th edition, Qom, Madinat al-Ilm Publishing, 1410 AH.

Rahami, Mohsen ,*Crimes Without Victims*2 ,nd edition, Tehran, Mizan Legal Foundation Publications, 1389 AH.

Zar'at, Abbas ,*Commentary on the Islamic Penal Code* ,Volume 2, 3rd edition, Tehran ,Qanous, 1390 AH.

,.....*Brief Commentary on the Islamic Penal Code of 1392* ,Volume 1, 1st edition, Tehran, Qanous Publications, 1392 AH.

Shambiyati, Hushang ,*Special Criminal Law (Crimes Against Public Comfort)* ,Volume 3, 1st edition ,Tehran, Majd Publications, 1392 AH.

Shahid Thani, Zayn al-Din bin Ali ,*Masalik al-Afham ila Tanqih Shara' al-Islam* ,Volume 15, 1st edition, Qom, Al-Ma'arif al-Islamiyya Institute, 1413 AH.

Tabatabai, Muhammad Hussain ,*Tafseer al-Mizan* ,Translated by Muhammad Baqir Musavi Hamadani, Volume 5, 5th edition, Qom, Islamic Publications Office of the Society of Seminary Teachers of Qom, 1374 AH.

Ali Abadi, Abd al-Hussein ,*Criminal Law* ,Volume 1, 4th edition, Tehran, Ferdowsi Publications, 1385 AH.

Fazl Lankarani, Muhammad ,*Tafseer al-Shari'a fi Sharh Tahrir al-Wasila – al-Hudud*1 ,st edition, Qom, Center for Fiqh of the Ahl al-Bayt (a.s.) Publishing, 1422 AH.

Fazl Hindi, Muhammad bin Hassan ,*Kashf al-Latham wa al-Ibhama an Qawa'id al-Ahkam* , Volume 10, 1st edition, Qom, Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom, 1416 AH.

Fazl Lankarani, Muhammad ,*Islamic Criminal Procedure (Advanced Fiqh Lessons on the Book of Hudud)* ,Volume 3, 1st edition, Qom, Center for Fiqh of the Ahl al-Bayt (a.s.) Publishing, 1390 AH.

Faiz, Alireza ,*Comparison and Application in Islamic Public Law*7 ,th edition, Tehran, Printing and Publications Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance, 1385 AH.

Qureshi, Ali Akbar ,*Dictionary of Qamus al-Quran* ,Volume 2, 6th edition, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyya Publishing, 1412 AH.

Goldouzian, Iraj ,*Commentary on the Islamic Penal Code*11 ,th edition, Tehran, Majd Publications, 1388 AH.

Goldoust Jouybari, Rajab Ali ,*Crimes Against National Security*2 ,nd edition, Tehran, Jangal Javdanah Publications, 1388 AH.

Majlesi I, Muhammad Taqi ,*A Complete Course of Fiqh in Persian*1 ,st edition, Tehran, Farahani Publishing Institute, 1400 AH.

Muhammad bin Ali, Ibn Babawayh (Sheikh Saduq) ,*Man La Yahduruhu al-Faqih* ,Volume 4, 2nd edition, Qom, Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom, 1413 AH.

مشترک شده